

[امر سوم از مقدمات: حقیقت و مجاز 1](#_Toc510348765)

[عدم صحت انکار استعمالات مجازی 1](#_Toc510348766)

[صحت استعمال مجازی متوقف بر حسن طبع است 2](#_Toc510348767)

[اشکال تهافت گویی بر مرحوم اخوند 2](#_Toc510348768)

[جدلی بودن کلام مرحوم اخوند 3](#_Toc510348769)

[عدم انحصار علایق به موارد ذکر شده 3](#_Toc510348770)

[تحلیل استعمال مجازی 3](#_Toc510348771)

[نظریه اول 3](#_Toc510348772)

[نظریه دوم 3](#_Toc510348773)

[نظریه سوم 4](#_Toc510348774)

**موضوع**: حقیقت و مجاز /امر سوم از مقدمات /مقدمات علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته از موضوع له معانی مبهمه بحث شد که در ان به سه نظریه مهم پرداخته شد و استاد هیچ کدام از انها را *نپذیرفت و در نهایت به این نتیجه رسیدند که موضوع له اسماء مبهمه عام هستند و دارای معانی مبهمی هستند که با اشاره و تخاصب و مانند انها معنای انها روشن میشود. بعد وارد بحث ثمره ی بحث های قبلی شدند که به دو ثمره اشاره کردند و بحث وضع را به اتمام رساندند*.

# امر سوم از مقدمات: حقیقت و مجاز

بحث در امر سوم از اموری که مرحوم اخوند در مقدمه ذکر کرده است در این امر از حقیقت و مجاز بحث کرده است

## عدم صحت انکار استعمالات مجازی

در اینکه بعضی از استعمالات، استعمالات مجازی هستند جای شک و تردید نیست اینکه بعضی، استعمال مجازی را راسا انکار کرده اند به دلیل اینکه مجاز یک نوع ابهام گویی است درست نیست و این مطلب توهم باطلی است و استعمالات مجازی به همراه قرائن ابهام ندارد بلکه لطافت بیشتری نسبت به استعمالات حقیقی دارند نه اینکه ابهام گویی باشد علاوه بر این در بعضی موارد مجاز گویی که دارای ابهام باشد لازم است و حکمت ان گونه اقتضا کرده است. مجاز در هر لسانی امر متعارفی است حتی بعضی گفته اند که استعمالات مجازی اکثر از استعمالات حقیقی است هر چند که این ادعا نیز مثبت ندارد اما اصل وقوع ان قابل انکار نیست.

## صحت استعمال مجازی متوقف بر حسن طبع است

حال که اصل مجاز گویی واقع شده است این بحث پیش میاید که ایا مجاز گویی دائر مدار علاقات ذکر شده است؟ که از این فرض به اذن واضع تعبیر میکنند یعنی ایا مجاز گویی مشروط به اذن واضع است؟ یا استعمالات مجازی دائرمدار اذن واضع نیست بلکه استعمال مجازی دائر مدار حسن طبع است؟ ذوق سلیم اگر استعمال مجازی را بپسندد استعمال مجازی صحیح است.

مرحوم اخوند فرموده است[[1]](#footnote-1) که ملاک همان حسن طبع است. صحیح و فساد در استعمال، معنایش حسن و عدم حسن طبع عرف است. و حسن استعمال نیز یک امر ارتکازی و طبعی است و نیازی به اذن واضع ندارد و ربطی به ان ندارد حتی اگر واضع منع از استعمال یک لفظی در غیر ان معنا کند لازم نیست که تبعیت شود. یا اگر واضع اذن داده باشد ولی طبع ان را نپسندد ان را در معنای مجازی استعمال نمیکنند پس هر استعمال مجازى كه مطبوع باشد، صحيح است. و هر استعمال مجازى نامطبوع باشد، قبيح مى‏باشد.

### اشکال تهافت گویی بر مرحوم اخوند

ایشان در ادامه فرموده است[[2]](#footnote-2) استعمال لفظ در نوع و یا شخصش و یا در صنفش از همین قبیل است. ایشان این مطلب را شاهد اورده است بر این که استعمال مجازی ملاکش طبع است زیرا استعمال لفظی در لفظ دیگر که از صنفش است دارای ان علائق نیست. در بعضی از جاهای دیگر از کفایه ملاک را علاقه میداند و فرموده است چون علاقه وجود ندارد استعمال کذایی غلط است فلذا بعضی گفته اند که بین این دو کلام مرحوم اخوند تهافت وجود دارد.

#### جدلی بودن کلام مرحوم اخوند

به نظر میاید که اولا در خیلی از موارد کفایه بر مبنای خصم صحبت میکند و این داب مرحوم اخوند است مثلا به جمله شرطیه میرسد میفرماید مجالی برای اطلاق گیری نیست چون معنای انها جزئی است ولی ایشان قائل به کلی بودن انهاست فلذا گفته میشود که جواب جدلی میدهد.

#### عدم انحصار علایق به موارد ذکر شده

ثانیا مرحوم اخوند علائق را منکر نیست اینکه یک جایی علاقه سبب صحت استعمال شود منکر نیست بلکه ادعای ایشان این است که علائق منحصر به این چند علاقه ذکر شده نیست. و ایشان گفته است که صحت استعمال مجازی دائر مدار علایق نیست اما اگر در جایی علاقه باشد ممکن است طبع ان را قبول کند. علایق ملاکیت ندارند نه اینکه هیچ تاثیری نداشته باشند.

خلاصه

اولا اصل استعمال مجازی جای تردید ندارد ثانیا یک سری استعمالات مجازی دائر در عرف وجود داردثالثا اگربخواهیم از خودمان استعمال مجازی داشته باشیم نیازی به اذن واضع نیست.

## تحلیل استعمال مجازی

نکته ای در این جا وجود دارد که مرحوم اخوند به ان نپرداخته است و ان این است که تحلیل استعمال مجازی چیست؟ مردم که لفظ را مجازا استعمال میکنند چه کار میکنند.سه نظریه در این جا وجود دارد.

### نظریه اول

1-نظر مشهور: مردم که لفظی را مجازا استعمال میکنند تحلیلش استعمال لفظی در غیر ما وضع له به خاطر مناسبتی بین لفظ و ان معنا.

### نظریه دوم

2-نظریه سکاکی: وى طرفدار حقيقت ادعائى است و مى‏گويد كه ما در لفظ اسد هيچ دخل و تصرفى انجام نداده‏ايم و اصولا تصرف به عالم لفظ و استعمال مربوط نيست، و به يك امر عقلى مربوط است يعنى نخست در معناى حقيقى كلمه يعنى حيوان مفترس توسعه‏اى قائل شده و رجل شجاع را نازل به منزله آن قرار داده و ادعا كرده‏ايم كه او هم حيوان مفترس است و بدنبال اين ادعا و تنزيل، لفظ اسد را در حيوان مفترس ادعائى، استعمال كرده‏ايم و اين حقيقت ادعائى است. این ادعا سکاکی قدر متیقنش در استعاره است ولی بعضی گفته اند که ایشان مطلقا این ادعا را دارد و در تمثیل نیز این ادعا میاید.

### نظریه سوم

3-نظر صاحب کتاب وقایه الاذهان[[3]](#footnote-3): ایشان گفته است که حتی ادعا نیز در کار نیست وقتی گفته میشود رایت اسدا یرمی همان حیوان مفترس را موضوع له اسد است ولی نسبت یرمی به اسد ادعایی است یعنی در مجاز گویی گفته میشود که اسد اینه برای رجل شجاع قرار داده شده است و لو اینکه اسد در حیوان مفترس استعمال شده است. نظیر زید کثیر الرماد که استعمال حقیقی است و مراد استعمالی همان خاکستر زیاد است ولی حاکی و اینه جود است و فرقش با صراحت در مراد جدی است

پس در هر صورت اسد در موضوع له خودش استعمال شده است ولی گاهی اوقات حاکی از حیوان مفترس است و گاهی نیز حاکی از رجل شجاع است.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص13.](http://lib.eshia.ir/27004//13/طبع) [↑](#footnote-ref-1)
2. همان [↑](#footnote-ref-2)
3. وقایه الاذهان ص 103

   «و لمعرفة حقيقة الحال في المجاز مسلك آخر- يطابقه الوجدان، و يعضده البرهان، و لا يعرض على ذهن مستقيم إلاّ قبله، و لا على طبع سقيم إلاّ رفضه‏- و هو أنّ تلك الألفاظ مستعملة في معانيها الأصليّة، و مستعملها لم يحدث معنى جديدا، و لم يرجع عن تعهّده الأول، بل أراد بها معانيها الأوّلية بالإرادة الاستعمالية على نحو سائر استعمالاته من غير فرق بينهما في مرحلتي الوضع و الاستعمال أصلا.» [↑](#footnote-ref-3)